

**نقش عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در تبیین گرایش جوانان به اعتیاد
(مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر قیر)**

غلامرضا تاج بخش^۱، محمد دانش فر^۲

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در تبیین گرایش جوانان به اعتیاد در شهر قیر انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه جوانان (۱۸ تا ۲۹ سال) شهر قیر می باشد. حجم نمونه برآمده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، برابر با ۳۸۴ نفر و شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی می باشد. روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از و رگرسیون دومتغیره و چند متغیره استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که میانگین سنی پاسخ دهندگان ۲۲ سال می باشد. ۴۷٪ از پاسخ دهندگان دختر و ۵۳٪ پسر هستند. متغیرهای معاشرت با دوستان ناباب و لذت جویی، عوامل موثری در افزایش گرایش جوانان به اعتیاد هستند. همچنین متغیرهای مطلوبیت شرایط خانوادگی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی عوامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد هستند. نتایج رگرسیون چندمتغیری نشان داد که متغیرهای تاثیرگذار بر متغیر وابسته به ترتیب عبارتند از مشارکت اجتماعی، معاشرت با دوستان ناباب، لذت جویی و مطلوبیت شرایط خانوادگی که در کل ۴۸/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می کنند.

واژگان کلیدی: توسعه اجتماعی، مشارکت، جوانان، انحراف، گرایش به اعتیاد.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲۸

^۱ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)، لرستان، ایران (نویسنده مسئول) (Email: tajbakhsh_gr@yahoo.com)

^۲ کارشناسی ارشد، مدرس علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور (Email: daneshfar@yahoo.com)

مقدمه و بیان مسئله

در شرایطی که جامعه ما، مانند اغلب جوامع در حال توسعه برای دستیابی به توسعه اجتماعی تلاش می‌کند، در این فرایند طولانی، دستیابی به این مهم با مسائل و موانع متعددی روبروست. مشکلات، معضلات و آسیب‌های اجتماعی فراوانی گریبانگیر جامعه ماست که یکی از این آسیب‌ها که می‌رود به معضلی اجتماعی بدل گردد، مسئله افول سرمایه اجتماعی (مشارکت و اعتماد اجتماعی) است. در جامعه‌ای که در برنامه‌های توسعه، به مشارکت اهمیت داده نشود، حفظ حوزه خصوصی و منابع فردی اهمیت می‌یابد و مصالح ملی مغفول می‌ماند و این مطلبی نیست که بتوان صدمات ناشی از آن در جامعه امروز ایران را انکار کرد (سروش و افراسیانی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). با کاهش مشارکت اجتماعی، اعتماد در سطح جامعه کاهش می‌یابد که نتیجه آن، افزایش نابرابری اجتماعی، مهاجرت، و در امتداد آن، افزایش انحرافات و آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد خواهد بود.

اعتیاد یکی از مهمترین انحرافات اجتماعی محسوب می‌شود که پایه و اساس بسیاری از آسیب‌ها و معضلات اجتماعی در سطح جامعه است. اعتیاد پیش از آنکه پدیده‌ای روانی باشد، پدیده‌ای اجتماعی است، اعتیاد به مواد، نه تنها بر ساختار فرهنگی بلکه بر رفتار اجتماعی و حتی سلامت روانی جامعه تاثیر می‌گذارد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۸). اعتیاد به مواد مخدر پدیده‌ای جدید و خاص زندگی مدرن است. چرا که مصرف مواد مخدر اگر هم در گذشته وجود داشت، به عنوان اعتیاد یا انحراف شناخته نمی‌شد. اما با گسترش فرهنگ مدرن، ارزش‌ها و هنجارهای مدرن نیز رواج یافته و کنش‌ها و رفتارهایی چون اعتیاد به مواد مخدر متعارض با هنجارها تلقی شده است (عفتی، ۱۳۷۹: ۲۷-۲۲).

شواهد نشان می‌دهد که اوج تجلی استعداد اعتیاد در طی زندگی، اوایل نوجوانی تا اوایل جوانی باشد (وحدت و زینالی، ۱۳۸۸؛ زینالی، ۱۳۹۱: ۸۶). طبق نظریه استعداد اعتیاد، برخی افراد مستعد اعتیاد هستند و اگر در معرض مواد قرار بگیرند، معتاد می‌شوند، اما اگر کسی استعداد نداشته باشد، معتاد نمی‌شود (کندورا و کندورا، ۱۹۷۰؛ همان). زمینه‌های پیش‌اعتیادی شرایط و وضعیت (درونی و برونی) ناسازگارانه و نامناسب فرد هستند که در طی رشد از بدو تولد تا شروع مصرف به مرور در فرد شکل می‌گیرند و وی را مستعد و آماده مصرف مواد می‌کنند و استعداد اعتیاد نیز به نوعی آمادگی روانی-اجتماعی که در طی زندگی به صورت بیمارگون شکل گرفته باشد و فرد را مستعد مصرف بکند، گفته می‌شود (زینالی و همکاران، ۱۳۷۸؛ همان: ۸۷).

یکی از دلایل عمده مشکل اعتیاد، خطر هنجار شدن مصرف مواد و نگرش مثبت به مواد مخدر و آثار آن می‌باشد و سوء مصرف مواد با این باور غلط که مصرف گاه به گاه و تفریحی مواد مخدر، فرد را معتاد نمی‌کند، فزونی یافته است و همچنین در بعضی جشن‌ها و میهمانی‌ها و حتی مراسم عزاداری وجود مواد مخدر و مصرف آن نشانه تشخص و منزلت میزبان تلقی می‌شود و همچنین این که رواج دهندگان اعتیاد به خوبی به این نکته پی برده‌اند که با ایجاد نگرش مثبت نسبت به مواد مخدر و شیوع باورهای غلط در میان افراد جامعه، می‌توانند بازار مصرف سودآوری بدست آورند (زاهدی اصل و لطفی، ۱۳۹۰: ۳۶).

یکی از مهمترین استراتژی‌ها در پیشگیری از اعتیاد، شناسایی عوامل اثرگذار بر نوع نگرش افراد به مواد اعتیاد آور می‌باشد تا ضمن شناسایی نقص‌ها و ضعف‌های این عوامل، بتوان در جهت رفع آنها و تقویت این منابع در راستای تغییر نگرش‌های مثبت به نگرش‌های منفی به مصرف مواد گام برداشت و در نهایت با آگاه‌سازی و اصلاح نگرش جوانان به اعتیاد، معتاد و مواد مخدر، مصرف مواد را در بزرگسالی کاهش داد. نگرش افراد نقش بسیار مهمی در رفتار آتی آنان دارد و هرچه این نگرش بر علم و تجربه آموزش متکی باشد، در رفتار آینده شخص موثرتر خواهد بود (فرهودیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰).

جامعه‌شناسان درخصوص اعتیاد و گرایش به اعتیاد، عوامل گوناگونی را مد نظر قرار می‌دهند؛ ساترلند در نظریه معاشرت افتراقی خود بیان می‌کند که کج‌رفتاری، یک رفتار قابل یادگیری است و از طریق تعامل با دیگران آموخته می‌شود. هیرشی در نظریه پیوند اجتماعی خود بیان می‌دارد که کج‌رفتاری زمانی روی می‌دهد که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف یا گسسته شود. دلتنگی

سرسپردگی، درگیری، و ایمان باعث پیوند بین فرد و جامعه می‌گردد. آیزنک نیز در نظریه لذت و درد‌گریزی، بر این باور است که انگیزه نخستین انسان از کج رفتاری، لذت و درد‌گریزی است.

براساس گزارش سازمان ملل متحد، ۲۲۰ میلیون نفر معتاد در دنیا زندگی می‌کنند که به طور روزانه مصرف مواد مخدر دارند و «آمار معتادان در ایران حاکی از آن است که ۲ میلیون وابسته به مواد مخدر و ۶ میلیون معتاد تفتنی وجود دارند» (کیوان آرا و همکاران، ۱۳۸۷:۲۹). اما با توجه به شواهد برآورد می‌شود که تعداد معتادان بسیار بیشتر از این میزان می‌باشد. با مطالعه روند اعتیاد می‌توان دریافت که «میزان معتادین تقریباً هر ۱۲ سال دو برابر شده و سالانه ۸ درصد بر جمعیت آنان افزوده می‌گردد (همان: ۳۰). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بیش از ۹۰ درصد مصرف‌کنندگان مواد مخدر، مصرف مواد را در نوجوانان و جوانانی آغاز می‌کنند و از طرفی شروع زودرس مواد مخدر، خطر مصرف بیشتر، مستمرتر و استفاده از مواد خطرناکتر را افزایش می‌دهد. به دلیل حضور و وجود مواد مخدر در سطح کشور، از محلات و کوچه‌ها و مغازه‌ها گرفته تا ادارات و سازمان‌ها و حتی سازمان‌های قضایی و انتظامی مثل سازمان زندان‌ها (با وجود حصارهای بلند و حضور مأموران انتظامی و فضای کاملاً بسته‌ای که دارد) و همچنین عدم احساس ترس درونی نسبت به مواد مخدر جهت ممانعت از گرایش به مصرف، و درگیری بیشتر خانواده‌های ایرانی با اعتیاد شخص معتاد، می‌توان به گستردگی این موضوع در همه زمینه‌ها و سطوح اجتماعی پی برد تا جایی که امروزه حضور مواد مخدر در هیچ نقطه و مکانی و اعتیاد هیچ شخصی، شگفتی را به همراه نمی‌آورد و دیگر مصرف مواد مخدر منحصر به گروه‌های اقلیت و یا حاشیه‌نشین نبوده و رو به فراگیر شدن می‌باشد، به صورتی که «امروزه ایران، معتادترین کشور دنیا از نظر مواد افیونی شناخته شده» و همچنین طبق آمارهای منتشر شده ۷۰ درصد مفاسد در کشور به نوعی به مواد مخدر برمی‌گردد (زاهدی اصل و لطفی، ۱۳۹۰: ۳۵). پرسشی که مطرح می‌شود این است که چه عواملی در افزایش یا کاهش گرایش جوانان شهر قیر به اعتیاد و مواد مخدر موثر است؟ آیا متغیرهایی از قبیل معاشرت با دوستان ناباب، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، لذت‌جویی، و مطلوبیت شرایط خانوادگی می‌توانند ارتباط مستقیم با گرایش جوانان شهر قیر به اعتیاد و مواد مخدر داشته باشند، آیا این عوامل می‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای گرایش جوانان به اعتیاد باشند، این پژوهش در نظر دارد تا با بررسی و کنکاش در بین جوانان شهر قیر و اندازه‌گیری میزان گرایش به اعتیاد در بین آنها به این پرسش‌ها و سایر پرسش‌های مرتبط پاسخ داده و در صورت وجود رابطه معنادار بین این عوامل و گرایش به اعتیاد، به ارائه راهکارهای مناسب در جهت کاهش گرایش جوانان به اعتیاد، گام بردارد.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

در بین صاحب‌نظران و جامعه‌شناسان مباحث توسعه، کمتر کسی است که به اهمیت نقش جوانان به عنوان والدین آینده در کیفیت جامعه‌پذیری و اجتماعی کردن فرزندان توجه نداشته باشد. بدلیل نقش تأثیرگذار این گروه در تربیت نسل‌های آینده، میزان سرمایه اجتماعی (مشارکت، اعتماد و آگاهی) این گروه می‌تواند در ارتقاء سرمایه اجتماعی نسل‌های بعد اثرگذار باشد. جوانان، مستعدترین گروه برای ابتلا به اعتیادند. دامنه تأثیر اعتیاد از آن رو حائز اهمیت است که عواقب وخیم آن فقط فرد معتاد را در بر نمی‌گیرد، بلکه معمولاً خانواده، دوستان و همکاران نیز در معرض آثار ویرانگر آن قرار خواهند گرفت. در نگاه اول به نظر می‌رسد که احتمال تمایل به مصرف مواد مخدر بین بیکاران و افراد بی‌سواد و حاشیه‌نشین بیشتر است که از ناکامی و سرخوردگی‌های اجتماعی رنج می‌برند... اما گسترش امکان دسترسی به مواد مخدر در جامعه و پایین آمدن سن اعتیاد در سال‌های اخیر این موضوع را به معضل تبدیل کرده است (سراج زاده و فیضی، ۱۳۸۶؛ رفیعی و علی پور، ۱۳۹۳: ۸ و ۹).

اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر به مثابه مسئله‌ای اجتماعی، پدیده‌ای است که همراه با آن توانایی جامعه در سازمان دادن و حفظ نظم موجود از بین می‌رود و باعث دگرگونی‌های ساختاری در نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه می‌شود. در جامعه امروز ما مواد مخدر در سیمای مسئله یا مشکل اجتماعی رخ نموده است. این آسیب اجتماعی تعداد زیادی از مردم را تحت تأثیر قرار داده و به طور روزافزونی در حال تعامل با دیگر آسیب‌های اجتماعی و تبدیل شدن به تهدیدی ساخت‌شکن است. الگوی

مصرف مواد و عوامل مرتبط با آن بسیار متنوع است و از منطقه‌ای به منطقه دیگری و در بین مناطق و گروه‌های اجتماعی نیز متفاوت است و تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و اقتصادی قرار می‌گیرد. نوع نگرش جوانان به مواد مخدر و عواملی که این نگرش را متأثر می‌کند نیز حائز اهمیت است و بنابراین قبل از هرگونه مداخله و برنامه‌ریزی درک ماهیت موضوع و چگونگی توزیع آن در گروه‌های جوانان نیازمند تحقیق و ارزیابی است.

از سوی دیگر، جوانان همیشه به دنبال تجربه‌های نو هستند. بخش زیادی از این جوانان در مقاطع مختلف دانشگاهی به تحصیل مشغول‌اند و از مواجهه با چنین خطراتی در امان نیستند. با توجه به ساختار جمعیت فعلی کشور و فراهم بودن زمینه‌های مختلف برای گرایش جوانان و نوجوانان به مصرف مواد، باید راهکار مناسبی جهت مصون سازی آنان پیدا کرد. یکی از عوامل سوق دهنده افراد به سوء مصرف مواد نگرش مثبت به مواد است. قصد افراد برای سوء مصرف مواد دست کم در اولین دفعات مصرف تحت تأثیر نگرش آنها به مصرف مواد قرار دارد. از این رو اصلاح نگرش به خصوص جوانان یکی از راهبردهای شناخته شده پیشگیری از اعتیاد است. برای پیشگیری از سوء مصرف مواد در بین جوانان نیز شناخت دیدگاه نگرشی آنها و سپس اصلاح نگرش آنان به سوء مصرف مواد ضروری است (رفیعی و علی پور، ۱۳۹۳: ۹).

مطالعات نشان داده است که اصلاح نگرش افراد درباره اعتیاد از مثبت به منفی می‌تواند از گرایش و ابتلای آنان به اعتیاد جلوگیری کند (جزایری، ۱۳۸۱: ۲۲۹). سیاست گذاران عرصه اعتیاد برای روزآمد کردن اطلاعات و یافته‌های خود به منظور طراحی برنامه‌های مؤثرتر در این حوزه نیازمند پژوهش‌هایی هستند که چشم‌اندازی از وضعیت موجود اعتیاد را در اختیار آنان قرار دهد و از طرفی مساله اعتیاد و نگرش به آن به سبب چندوجهی بودن و تغییرات پنهانی و سریع نیازمند مداخلات جامع است (رفیعی و علی پور، ۱۳۹۳: ۱۰). با توجه به مطالب مطرح شده، لزوم جمع آوری و تحلیل اطلاعات از این پدیده و نحوه نگرش افراد به این موضوع در هر مقطع زمانی و به خصوص در گروه‌های جوان و در معرض خطر حائز اهمیت است که پژوهش حاضر برای برآوردن این مهم می‌کوشد.

پژوهش‌های پیشین

- محمودی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «بررسی علل گرایش به مواد مخدر از نظر بیماران با تشخیص مسمومیت مواد مخدر و اعتیاد مراجعه کننده به بیمارستان‌های آموزشی شهر خرم آباد» در بین ۱۰۰ نفر (۱۱ زن و ۸۹ مرد) از بیماران مراجعه کننده با تشخیص مسمومیت مواد مخدر و اعتیاد در بیمارستان‌های آموزشی شهر خرم آباد، با استفاده از پرسشنامه به این نتیجه رسیدند که: ۸۱٪ بیماران شهری و ۱۹٪ روستایی بودند. کسب لذت و افزایش توان جسمی برای کار، رهایی از مشکلات زندگی، تسکین ناراحتی‌های روحی، وجود افراد معتاد در خانواده، همرنگ شدن با دوستان ناباب و همچنین بیکاری و ارزان و در دسترس بودن مواد مخدر از شایعترین علل گرایش به مصرف مواد بود. عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی اقتصادی به صورت هماهنگ بستر گرایش به سمت مواد مخدر را فراهم می‌کنند.
- سلیمی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی گرایش به اعتیاد براساس مدل فرایند و محتوای خانواده در دانش‌آموزان» در بین ۴۱۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر کرج که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بودند با استفاده از پرسشنامه‌های؛ آمادگی اعتیاد، فرایند خانواده و محتوای خانواده، به این نتیجه رسیدند که: بین مؤلفه‌های فرایند و محتوای خانواده و متغیر گرایش به اعتیاد همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مدل فرایند و محتوای خانواده توان پیش‌بینی گرایش به اعتیاد را دارد. نتیجه اینکه: عوامل فرایندی و محتوایی خانواده می‌توانند مانعی در مقابل گرایش به اعتیاد باشند.
- حسینیان و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «رابطه رفتارهای پرخطر و هیجان‌خواهی با میزان گرایش به اعتیاد در زنان بزهکار»، در بین ۱۷۰ نفر از زنان بزهکار زندانی شهر تهران که به روش تصادفی ساده انتخاب شده بودند، با استفاده

از پرسشنامه‌های هیجان‌خواهی، رفتارهای پرخطر، و گرایش به اعتیاد به این نتیجه رسیدند که: نشان داد که بین میزان هیجان‌خواهی و شدت و تازگی آن و همچنین بین شدت رفتارهای پرخطر با گرایش به اعتیاد در زنان بزهکار رابطه معناداری وجود دارد. پس می‌توان گفت که هیجان‌خواهی و رفتارهای پرخطر می‌توانند میزان گرایش به اعتیاد را در زنان بزهکار پیش‌بینی کنند. همچنین وجود رفتارهای پرخطر و شدت هیجان‌خواهی می‌تواند نقش مهمی در گرایش زنان بزهکار به اعتیاد داشته باشد.

- اسکینر و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با بررسی رفتارهای پرخطر جنسی در میان نوجوانان و جوانان با والدین معتاد، به این نتایج رسیدند که دختران و پسران با والدین معتاد نسبت به گروه کنترل، تمایل بیشتری به رفتارهای پرخطر جنسی و همچنین سوء مصرف مواد دارند.
- سانی محبوبان (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان «وضعیت اعتیاد در میان دانشجویان مقطع لیسانس دانشگاه‌های خصوصی بنگلادش» محقق بیشتر به سازوکارهای نگرشی افراد مصرف‌کننده پرداخته است. او در یک نمونه ۱۶۰ نفره از دانشجویان دانشگاه‌های خصوصی دریافت که ۳۸ درصد پاسخگویان به علت نفوذ دوستانشان بر آنها به اعتیاد روی آورده بودند، ۳۱ درصد آنها صرفاً با توجه مصرف کردن چیزی جدید به اعتیاد کشیده شده بودند، ۸۸ درصد آنها درباره راهکارهای کنار آمدن با مشکل اعتیاد اظهار آگاهی می‌کردند، اما نسبت کمی از آنها به ترک اعتیاد روی آورده بودند.
- ویلز و همکاران (۲۰۰۸) به عوامل خانوادگی مانند چگونگی ارتباط والدین با یکدیگر و با فرزندان، متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و موقعیت محیطی و تحصیلی به منزله پیش‌بینی‌کننده‌های مصرف مواد اشاره کرده‌اند، به عبارت دیگر، تعامل میان ساختار و شخصیت افراد با محیط، اختلالات عملکردی روان‌شناختی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی فرد نیز از عوامل گرایش به سوء مصرف مواد می‌باشند.

چارچوب نظری

درباره کاربرد تئوری در تحقیق تاکنون کم صحبت نشده است، چون هیچ تحقیقی در حوزه علم نمی‌تواند بی نیاز از تئوری باشد. این الزام برای تحقیقات علمی، با توجه به این امر که منطق غالب در علم، منطق قیاسی است، از ویژگی‌های واقعی علم است. بنابراین، تحقیقی که در آن، سهم تئوری لحاظ نگردد، کمکی به پیشرفت علم نمی‌کند (پوپر، ۱۳۷۰: ۹۹-۷۷). بنابراین هر محقق باید قبل از انجام پژوهش نظریه یا نظریه‌هایی متناسب با موضوع خود انتخاب نماید و به کمک آن به تبیین و تحلیل پدیده مورد نظر بپردازد چرا که نظریه می‌تواند فواید متعددی برای محقق داشته باشد.

در علوم انسانی کمتر نظریه‌ای را می‌توان پیدا کرد که از طریق آن بتوان به تبیین همه پدیده‌های اجتماعی پرداخت. هر نظریه‌ای معمولاً بر جنبه‌ای از مسائل اجتماعی تأکید کرده و مسائل دیگر را نادیده می‌گیرد. بنابراین چارچوب نظری در هر پژوهشی ممکن است شکل خاصی داشته باشد، برخی از مواقع از یک نظریه و برخی مواقع از چند نظریه تشکیل می‌گردد که در مورد دوم به آن چارچوب نظری ترکیبی گویند، به دلیل نوع موضوع مورد مطالعه و گستردگی خاصی که مساله اعتیاد دارد که مساله محوری پژوهش حاضر می‌باشد، در این پژوهش از چارچوب نظری ترکیبی استفاده می‌شود. این چارچوب نظری حاوی نظریات معاشرت افتراقی ساترلند، لذت و درد گریزی هانس آیزنک، پیوند اجتماعی هیرشی، و نظریه روانکاوی فروید می‌باشد که در زیر به صورت مجمل به آنها پرداخته خواهد شد.

نظریه معاشرت افتراقی ساترلند

کژرفتاری، یک رفتار قابل یادگیری است و از طریق تعامل با دیگران آموخته می‌شود. ادوین اچ. ساترلند در مطالعات خود با ابداع مفهوم معاشرت افتراقی در تبیین رفتار انحرافی بویژه رفتار بزهکارانه جوانان استدلال کرده است، گروهی که فرد با آن معاشرت می‌کند و در فرایند یادگیری اجتماعی تجربیاتی را در آن گروه کسب می‌کند و می‌تواند آن فرد را در جهت رفتار انحرافی و یا بر خلاف آن، در جهت رفتار همنا مطابق هنجارهای اجتماعی موسوم، تشویق و هدایت کند. بنابراین در نظریه ساترلند مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی کنار گذاشته می‌شود و یادگیری در محیط اجتماعی آلوده به فساد مطرح می‌شود و موضوع خرده فرهنگ‌های گوناگون در شهر مورد توجه قرار می‌گیرد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۹۰). فرضیه‌ای که از این نظریه می‌توان استخراج کرد این است که: معاشرت با دوستان ناباب، عامل موثری در افزایش گرایش جوانان به اعتیاد است.

نظریه لذت و درد گریزی هانس آیزنک

هانس از جمله اثبات‌گرایان زیستی است که معتقد است خصایص ژنتیک می‌تواند مبدل به کج رفتاری گردند، اما آیزنک به عوامل محیطی نیز توجه دارد و بنابراین دیدگاه او قدمی فراتر از جبرگرایی زیستی برمی‌دارد و دارای ابعاد علمی تری می‌باشد... از نظر وی انسان یک موجود لذت جو است چون ارتکاب جرم بطور فوری به لذت منتهی می‌شود و فرد ممکن است دستگیر هم نشود، میل به کج رفتاری در افراد ایجاد می‌شود. مفهوم وجدان از طریق شرطی شدن از هنگام کودکی در افراد شکل می‌گیرد کودک‌کان از طریق تنبیه و تشویق ناچار به کنترل انگیزه‌های زیستی و رفتار خود می‌گردند، اگر تشویق و تنبیه بطور فردی اعمال شوند وجدان مانند یک پلیس درونی در فرد ایجاد می‌شود بنابراین آیزنک رفتار انسان را عقلانی و ارادی در نظر نمی‌گیرد. عدم توانایی در رفتار اجتماعی مربوط به فقدان یادگیری شرطی می‌شود که به دو بعد مربوط است: (۱) حساسیت سیستم اعصاب که ارثی است. (۲) شکل شرطی شدن و میزان آن از هنگام کودکی. بر این اساس وی دو مفهوم تیپولوژی شخصی ارائه می‌دهد: الف) درون‌گرا: فردی است خوددار، همیشه برنامه‌ریزی می‌کند، به امیال خود اطمینان نمی‌کنند، احساسات خود را کنترل می‌کند، هرگز رفتار خشونت‌آمیز از خود نشان نمی‌دهد، آدم قابل اطمینانی است و سیستم عصبی او برای شرطی شدن مستعد و آماده است. ب) برون‌گرا: فردی است اجتماعی، دوستان زیادی دارد، علاقه‌مند به هیجان است، به دنبال خطر می‌رود، بر مبنای لحظه عمل می‌کند، هیچ چیز را زیاد جدی نمی‌گیرد، دوستدار راحتی و خوشگذرانی است، از تغییر و تنوع خوشش می‌آید، رفتارهای خشونت‌آمیز از او سر می‌زند، سیستم عصبی برون‌گرا مستعد شرطی شدن نیست (ممتاز، ۱۳۸۱: ۴۴-۴۶). فرضیه‌ای که از این نظریه می‌توان استخراج کرد این است که: لذت‌جویی، عامل موثری در افزایش گرایش جوانان به اعتیاد است.

نظریه پیوند اجتماعی

تراویس هیرشی که مهمترین پایه‌گذار این نظریه است بر این اعتقاد است که کج رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود. وی معتقد است که قیود و بستگی‌های اجتماعی دارای چهار عنصر اصلی است: الف) علاقه یا دلبستگی: کسانی که به دیگران علاقه دارند، رفاه و احساسات این گونه مردمان را در نظر می‌گیرند و لذا مایلند با مسئولیت عمل کنند. ب) تعهد: هرچقدر سرمایه‌گذاری مردم در تحصیلات، سوابق شغلی، خانه و سایر دارایی‌های خود بیشتر باشد، دلیل بیشتری دارند که همنا باشند تا بتوانند از دستاوردهای خود محافظت نمایند. ج) مشغولیت و گرفتاری: شخصی که عموماً مشغول است مثلاً به کار، سرگرمی یا زندگی خانوادگی، فرصت کمی دارد که در اعمال انحرافی مشارکت جوید. د) اعتقاد یا ایمان؛ وفاداری فرد به ارزشها و اصول اخلاقی: اگر مردم قویاً باور داشته باشند که برخی اعمال انحرافی غلط است، مشارکت جستن در آنها برایشان دور از تصور است (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۱۷۶-۱۷۵). فرضیه‌هایی که از این نظریه می‌توان استخراج کرد این است که: الف) مشارکت اجتماعی، عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است. ب) اعتماد اجتماعی، عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است.

نظریه روانکاوی

فروید معتقد است کودکان از طریق همانندی با مادر و تقلید از بزرگترها یک «من برتر» یا وجدان اخلاقی در درون خود پدید می‌آورند که وظیفه‌اش جلوگیری از ارتکاب فرد به کاری است که مورد قبول یا پسند جامعه نباشد. روان‌شناسان مکتب فروید معتقدند زمانی رفتار انحرافی پیش می‌آید که «نهاد» نظارت ناپذیر و بسیار فعال در ترکیب با «من برتر» کم فعالیت ظاهر می‌شود، حال آنکه در این میان «من» بی تفاوت می‌ماند و در راهنمایی رفتار فرد نقشی ایفا نمی‌کند. عدم توازن بین نهاد و فراخود در کودکی، که در اثر شرایط نامساعد خانوادگی و اجتماعی بوجود می‌آید، فرد را به طرف رفتار انحرافی سوق دهد. به عقیده فروید کودکان در این زمان قادرند خود را از وابستگی کامل به والدین رها ساخته و وارد یک دنیای اجتماعی گسترده تر شوند. در برخی از بچه‌ها این مرحله رهاسازی و استقلال‌یابی توسعه نیافته و فاقد یک احساس بنیادین رعایت اصول اخلاقی هستند. بنابراین افرادی که دارای اختلالات شخصیتی و روانی اخلاقی و قواعد حاکم بر اجتماع هستند که قادر نخواهند بود خود را با نظارت اجتماعی سازگار کنند و در نتیجه دست به اعمال خشونت‌آمیز می‌زنند. فرضیه‌ای که از این نظریه می‌توان استخراج کرد این است که: مطلوبیت شرایط خانوادگی، عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است.

فرضیه‌های پژوهش

۱. معاشرت با دوستان ناباب، عامل موثری در افزایش گرایش جوانان به اعتیاد است.
۲. لذت‌جویی، عامل موثری در افزایش گرایش جوانان به اعتیاد است.
۳. مشارکت اجتماعی، عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است.
۴. اعتماد اجتماعی، عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است.
۵. مطلوبیت شرایط خانوادگی، عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، پیمایشی بوده، جامعه آماری در این تحقیق شامل تمامی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر قیر در سال ۱۳۹۷ می‌باشد حجم نمونه در سطح ۹۵ درصد اطمینان، ۳۸۴ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی است. برای اطمینان یافتن از پایایی گویه‌های پرسشنامه در یک مطالعه مقدماتی که ۵۰ نفر از افراد نمونه در آن شرکت داشتند، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج گویای آن بود که ضریب آلفای کرونباخ برای طیف گرایش به اعتیاد ۰/۹۵۱ است. همچنین نتایج تحلیل عامل تاییدی با KMO برابر با ۰/۸۱۸ در سطح معنی‌داری ۹۹ درصد، نشان داد که گویه‌های طیف گرایش به اعتیاد در ابعاد: گرایش فعال و گرایش منفعل، از روایی بالایی برخوردار است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (توزیع درصد و فراوانی) و تکنیک‌های آمار تبیینی؛ رگرسیون دو متغیره و چند متغیره استفاده شده است.

در تعریف متغیر وابسته می‌توان گفت که گرایش به اعتیاد: زمینه‌های پیش‌اعتیادی شرایط و وضعیت (درونی و برونی) ناسازگارانه و نامناسب فرد هستند که در طی رشد از بدو تولد تا شروع مصرف به مرور در فرد شکل می‌گیرند و وی را مستعد و آماده مصرف مواد می‌کنند و استعداد اعتیاد نیز به نوعی آمادگی روانی- اجتماعی که در طی زندگی به صورت بیمارگون شکل گرفته باشد و فرد را مستعد مصرف بکند، گفته می‌شود (زینالی و همکاران، ۱۳۷۸). برای اندازه‌گیری متغیر گرایش به اعتیاد از مقیاس آمادگی اعتیاد نسخه ایرانی زرگر (۱۳۸۵) استفاده شده است. این پرسشنامه از دو عامل تشکیل شده و دارای ۳۶ ماده به اضافه ۵ ماده دروغ سنج می‌باشد. متغیرهای مستقل نیز عبارتند از معاشرت با دوستان ناباب، لذت‌جویی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مطلوبیت شرایط خانوادگی، به منظور اندازه‌گیری متغیرها، برای اعتماد اجتماعی، ۱۰ پرسش (۶ پرسش؛ اعتماد رسمی و ۴ پرسش؛ اعتماد غیررسمی)، برای مشارکت اجتماعی، ۷ پرسش (۳ پرسش؛ مشارکت رسمی و ۴ پرسش؛ مشارکت غیررسمی)، برای معاشرت با دوستان ناباب، ۴ پرسش، برای مطلوبیت شرایط خانوادگی، ۲ پرسش، و برای لذت‌جویی، ۴ پرسش پنج‌گزینه‌ای در مقیاس لیکرت استفاده شده است.

یافته‌های توصیفی

مطابق با آمار بدست آمده: میانگین سنی پاسخ‌دهندگان ۲۲ سال می‌باشد. ۵۳ درصد از پاسخ‌دهندگان، در گروه پسران و مرد قرار دارند، و ۴۷ درصد از پاسخ‌دهندگان نیز در گروه جنسی دختران و زنان قرار گرفته‌اند. ۵۷ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای شغل، و ۴۳ درصد از آنها فاقد شغل می‌باشند. ۷۱ درصد از پاسخ‌دهندگان شرایط خانوادگی گذشته و حال خود را روی هم رفته مطلوب گزارش کرده‌اند، ۲۲ درصد این شرایط را نیمه‌مطلوب و ۷ درصد شرایط را نامطلوب گزارش کرده‌اند. ۶۱ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای مشارکت اجتماعی قوی هستند، ۳۳ درصد مشارکت اجتماعی نیمه‌قوی و ۶ درصد دارای مشارکت اجتماعی ضعیف هستند. ۵۳ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای اعتماد اجتماعی قوی هستند، ۲۴ درصد اعتماد اجتماعی نیمه‌قوی و ۲۲ درصد دارای اعتماد اجتماعی ضعیف هستند. ۶۹ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای احساس لذت‌جویی ضعیف هستند، ۲۵ درصد حس لذت‌جویی خود را نیمه‌قوی و ۶ درصد این احساس را ضعیف گزارش کرده‌اند. ۸۶ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای گرایش به اعتیاد ضعیف هستند، ۱۱ درصد دارای گرایش به اعتیاد نیمه‌قوی و گرایش ۳ درصد از پاسخ‌دهندگان به اعتیاد، قوی ارزیابی شده است. میانگین گرایش به اعتیاد پاسخ‌دهندگان ۲۶/۷ با انحراف استاندارد ۵/۳ می‌باشد. میانگین گرایش فعال به اعتیاد پاسخ‌دهندگان ۱۰/۴ و میانگین گرایش منفعل به اعتیاد پاسخ‌دهندگان ۱۶/۴ می‌باشد.

یافته‌های استنباطی

فرضیه اول: معاشرت با دوستان ناباب، عامل موثری در افزایش گرایش جوانان به اعتیاد است.

جدول (۱): نتایج رگرسیون دو متغیری بین معاشرت با دوستان ناباب و گرایش به اعتیاد

| متغیر پیش‌بین | مقدار R | مقدار R ² | مقدار اضافه شده به R ² | ضریب B | ضریب Beta | مقدار t | سطح معناداری |
|------------------------|---------|----------------------|-----------------------------------|--------|-----------|---------|--------------|
| معاشرت با دوستان ناباب | ۰/۳۸۵ | ۰/۱۴۸ | ۰/۱۴۶ | ۲/۱۴۱ | ۰/۳۸۵ | ۸/۱۵۱ | ۰/۰۰۰ |

جدول (۲): نتایج رگرسیون چندمتغیری به روش گام به گام بین معاشرت با انواع دوستان ناباب و گرایش به اعتیاد

| گام | متغیر وارد شده | مقدار R | مقدار R ² | مقدار اضافه شده به R ² | ضریب B | ضریب Beta | مقدار t | سطح معناداری |
|-----|-------------------------------------------|---------|----------------------|-----------------------------------|--------|-----------|---------|--------------|
| اول | معاشرت با دوستان مصرف‌کننده مشروبات الکلی | ۰/۳۵۷ | ۰/۱۲۷ | ۰/۱۲۵ | ۴/۲۵۳ | ۰/۲۶۳ | ۵/۰۵ | ۰/۰۰۰ |
| دوم | معاشرت با دوستان مصرف‌کننده قلیان | ۰/۴۰۷ | ۰/۱۶۵ | ۰/۱۶۱ | ۴/۲۲۱ | ۰/۲۱۶ | ۴/۱۶ | ۰/۰۰۰ |

جدول ۱: نتیجه آزمون رگرسیون دو متغیری بین معاشرت با دوستان ناباب و گرایش به اعتیاد را نشان می‌دهد، مقدار R² جدول (۰/۱۴۸)، نشان‌دهنده میزان اثر تبیین‌کنندگی متغیر مستقل بر متغیر وابسته است و ضریب Beta (۰/۳۸۵) نشان می‌دهد که اگر یک واحد به معاشرت با دوستان ناباب اضافه شود، ۳۸/۵ درصد به گرایش جوانان به اعتیاد افزوده خواهد شد و این پیش‌بینی با توجه به سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۰) در سطح ۹۹ درصد معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. با توجه به یافته‌های بدست آمده، می‌توانیم نتیجه بگیریم که معاشرت با دوستان ناباب عامل موثری در افزایش گرایش جوانان به اعتیاد است؛ بنابراین فرضیه اول تایید می‌گردد. نتیجه برآمده از آزمون فرضیه اول به نوعی با نتایج پژوهش‌های محمودی و همکاران (۱۳۹۴)، شهریاری و همکاران (۱۳۹۲)، حجاریان و قنبری (۱۳۹۲)، راسخ و الله‌پناه‌زاده (۱۳۹۱)، سام آرام و همکاران (۱۳۸۷)، باقیانی مقدم و همکاران (۱۳۸۷)، فروغ‌الدین عدل و همکاران (۱۳۸۳)، کاندرا و همکاران (۲۰۱۱)، سانی‌محبوبان (۲۰۱۰)، لاونیرامای و همکاران (۲۰۰۵)، نورکو و همکاران (۱۹۹۸)، همخوانی و همسویی دارد.

جدول ۲: نتیجه آزمون رگرسیون گام به گام بین معاشرت با انواع دوستان ناباب و گرایش به اعتیاد را نشان می‌دهد. این آزمون به منظور بررسی میزان تاثیرگذاری معاشرت با هریک از انواع دوستان ناباب بر گرایش به اعتیاد به ترتیب تاثیرگذاری به عمل آمده است، انواع دوستان نابابی که در این پژوهش در نظر گرفته شده‌اند، عبارتند از: دوستان مصرف‌کننده سیگار، دوستان مصرف‌کننده

قلیان، دوستان مصرف کننده مواد مخدر، و دوستان مصرف کننده مشروبات الکلی، که در این آزمون بیشترین سهم تاثیر گذاری را دوستان مصرف کننده مشروبات الکلی (۱۲/۷ درصد)، سپس دوستان مصرف کننده قلیان (۳/۸ درصد) داشته‌اند، دوستان مصرف کننده سیگار و مواد مخدر به دلیل سهم بسیار ناچیزی که در گرایش جوانان به اعتیاد داشته‌اند، از معادله خارج شده‌اند. اثر پیش‌بینی کنندگی دوستان مصرف کننده مشروبات الکلی (۲۶/۳ درصد) و دوستان مصرف کننده قلیان نیز (۲۱/۶ درصد) است که این پیش‌بینی با توجه به سطح معناداری آزمون در سطح ۹۹ درصد معنادار است. فرضیه دوم: لذت جویی، عامل موثری در افزایش گرایش جوانان به اعتیاد است.

جدول (۳): نتایج رگرسیون دومتغیری بین لذت جویی و گرایش به اعتیاد

| متغیر پیش‌بین | مقدار R | مقدار R ² | مقدار اضافه شده به R ² | ضریب B | ضریب Beta | مقدار t | سطح معناداری |
|---------------|---------|----------------------|-----------------------------------|--------|-----------|---------|--------------|
| لذت جویی | ۰/۴۵ | ۰/۲۰۳ | ۰/۲۰۱ | ۲/۴۷۹ | ۰/۴۵ | ۹/۸۵۳ | ۰/۰۰۰ |

جدول ۳: نتیجه آزمون رگرسیون دومتغیری بین لذت جویی و گرایش به اعتیاد را نشان می‌دهد، مقدار R₂ جدول (۰/۲۰۳)، نشان‌دهنده میزان اثر تبیین کنندگی متغیر مستقل بر متغیر وابسته است و ضریب Beta (۰/۴۵) نشان می‌دهد که اگر یک واحد به لذت جویی اضافه شود، ۴۵ درصد به گرایش جوانان به اعتیاد افزوده خواهد شد و این پیش‌بینی با توجه به سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۰) در سطح ۹۹ درصد معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. با توجه به یافته‌های بدست آمده، می‌توانیم نتیجه بگیریم که لذت جویی عامل موثری در افزایش گرایش جوانان به اعتیاد است؛ بنابراین فرضیه دوم تایید می‌گردد. نتیجه برآمده از آزمون فرضیه دوم به نوعی با یافته‌های پژوهش‌های محمودی و همکاران (۱۳۹۴)، حسینیان و همکاران (۱۳۹۴)، شاپر و همکاران (۲۰۱۴)، کرلاو و رخلینا (۲۰۰۱) همخوانی و همسویی دارد.

فرضیه سوم: مشارکت اجتماعی، عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است.

جدول (۴): نتایج رگرسیون دومتغیری بین مشارکت اجتماعی و گرایش به اعتیاد

| متغیر پیش‌بین | مقدار R | مقدار R ² | مقدار اضافه شده به R ² | ضریب B | ضریب Beta | مقدار t | سطح معناداری |
|----------------|---------|----------------------|-----------------------------------|--------|-----------|---------|--------------|
| مشارکت اجتماعی | ۰/۵۰۷ | ۰/۲۵۷ | ۰/۲۵۵ | -۲/۷۲ | -۰/۵۰۷ | -۱۱/۴۹ | ۰/۰۰۰ |

جدول ۴: نتیجه آزمون رگرسیون دومتغیری بین مشارکت اجتماعی و گرایش به اعتیاد را نشان می‌دهد، مقدار R₂ جدول (۰/۲۵۷)، نشان‌دهنده میزان اثر تبیین کنندگی متغیر مستقل بر متغیر وابسته است و ضریب Beta (-۰/۵۰۷) نشان می‌دهد که اگر یک واحد به مشارکت اجتماعی افزوده شود، حدود ۵۱ درصد از گرایش جوانان به اعتیاد کاسته خواهد شد و این پیش‌بینی با توجه به سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۰) در سطح ۹۹ درصد معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. با توجه به یافته‌های بدست آمده، می‌توانیم نتیجه بگیریم که مشارکت اجتماعی عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است؛ بنابراین فرضیه سوم تایید می‌گردد.

جدول (۵): نتایج رگرسیون دومتغیری بین مشارکت رسمی و گرایش به اعتیاد

| متغیر پیش‌بین | مقدار R | مقدار R ² | مقدار اضافه شده به R ² | ضریب B | ضریب Beta | مقدار t | سطح معناداری |
|---------------|---------|----------------------|-----------------------------------|--------|-----------|---------|--------------|
| مشارکت رسمی | ۰/۵۵۱ | ۰/۲۷۹ | ۰/۲۷۷ | -۲/۹۶ | -۰/۵۵۱ | -۱۲/۴۹ | ۰/۰۰۰ |

جدول ۵: نتیجه آزمون رگرسیون دومتغیری بین مشارکت رسمی و گرایش به اعتیاد را نشان می‌دهد، مقدار R₂ جدول (۰/۲۷۹)، نشان‌دهنده میزان اثر تبیین کنندگی متغیر مستقل بر متغیر وابسته است و ضریب Beta (-۰/۵۵۱) نشان می‌دهد که اگر یک واحد به مشارکت رسمی افزوده شود، ۵۵ درصد از گرایش جوانان به اعتیاد کاسته خواهد شد و این پیش‌بینی با توجه به سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۰) در سطح ۹۹ درصد معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. با توجه به یافته‌های بدست آمده، می‌توانیم نتیجه بگیریم که مشارکت رسمی عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است.

جدول (۶): نتایج رگرسیون دومتغیری بین مشارکت غیر رسمی و گرایش به اعتیاد

| متغیر پیش‌بین | مقدار R | مقدار R ² | مقدار اضافه شده به R ² | ضریب B | ضریب Beta | مقدار t | سطح معناداری |
|---------------|---------|----------------------|-----------------------------------|--------|-----------|---------|--------------|
|---------------|---------|----------------------|-----------------------------------|--------|-----------|---------|--------------|

| | | | | | | | |
|-----------------|-------|-------|-------|-------|--------|--------|-------|
| مشارکت غیر رسمی | ۰/۴۹۷ | ۰/۲۵۲ | ۰/۲۵۰ | -۲/۶۷ | -۰/۴۹۷ | -۱۱/۲۶ | ۰/۰۰۰ |
|-----------------|-------|-------|-------|-------|--------|--------|-------|

جدول ۶: نتیجه آزمون رگرسیون دومتغیری بین مشارکت غیر رسمی و گرایش به اعتیاد را نشان می‌دهد، مقدار R^2 جدول (۰/۲۵۲)، نشان‌دهنده میزان اثر تبیین‌کنندگی متغیر مستقل بر متغیر وابسته است و ضریب Beta (-۰/۴۹۷) نشان می‌دهد که اگر یک واحد به مشارکت غیر رسمی افزوده شود، حدود ۵۰ درصد از گرایش جوانان به اعتیاد کاسته خواهد شد و این پیش‌بینی با توجه به سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۰) در سطح ۹۹ درصد معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. با توجه به یافته‌های بدست آمده، می‌توانیم نتیجه بگیریم که مشارکت غیر رسمی عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است. فرضیه چهارم: اعتماد اجتماعی، عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است.

جدول (۷): نتایج رگرسیون دومتغیری بین اعتماد اجتماعی و گرایش به اعتیاد

| متغیر پیش‌بین | مقدار R | مقدار R^2 | مقدار اضافه شده به R^2 | ضریب B | ضریب Beta | مقدار t | سطح معناداری |
|----------------|---------|-------------|--------------------------|--------|-----------|---------|--------------|
| اعتماد اجتماعی | ۰/۴۱۱ | ۰/۲۰۸ | ۰/۲۰۷ | -۲/۲ | -۰/۴۱۱ | -۹/۳۱ | ۰/۰۰۰ |

جدول ۷: نتیجه آزمون رگرسیون دومتغیری بین اعتماد اجتماعی و گرایش به اعتیاد را نشان می‌دهد، مقدار R^2 جدول (۰/۲۰۸)، نشان‌دهنده میزان اثر تبیین‌کنندگی متغیر مستقل بر متغیر وابسته است و ضریب Beta (-۰/۴۱۱) نشان می‌دهد که اگر یک واحد به اعتماد اجتماعی افزوده شود، ۴۱ درصد از گرایش جوانان به اعتیاد کاسته خواهد شد و این پیش‌بینی با توجه به سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۰) در سطح ۹۹ درصد معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. با توجه به یافته‌های بدست آمده، می‌توانیم نتیجه بگیریم که اعتماد اجتماعی عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است؛ بنابراین فرضیه سوم تایید می‌گردد.

جدول (۸): نتایج رگرسیون دومتغیری بین اعتماد رسمی و گرایش به اعتیاد

| متغیر پیش‌بین | مقدار R | مقدار R^2 | مقدار اضافه شده به R^2 | ضریب B | ضریب Beta | مقدار t | سطح معناداری |
|---------------|---------|-------------|--------------------------|--------|-----------|---------|--------------|
| اعتماد رسمی | ۰/۴۰۱ | ۰/۲۰۳ | ۰/۲۰۱ | -۲/۱۵ | -۰/۴۰۱ | -۹/۲۹ | ۰/۰۰۰ |

جدول ۸: نتیجه آزمون رگرسیون دومتغیری بین اعتماد رسمی و گرایش به اعتیاد را نشان می‌دهد، مقدار R^2 جدول (۰/۲۰۳)، نشان‌دهنده میزان اثر تبیین‌کنندگی متغیر مستقل بر متغیر وابسته است و ضریب Beta (-۰/۴۰۱) نشان می‌دهد که اگر یک واحد به اعتماد رسمی افزوده شود، ۴۰ درصد از گرایش جوانان به اعتیاد کاسته خواهد شد و این پیش‌بینی با توجه به سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۰) در سطح ۹۹ درصد معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. با توجه به یافته‌های بدست آمده، می‌توانیم نتیجه بگیریم که اعتماد رسمی عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است.

جدول (۹): نتایج رگرسیون دومتغیری بین اعتماد غیر رسمی و گرایش به اعتیاد

| متغیر پیش‌بین | مقدار R | مقدار R^2 | مقدار اضافه شده به R^2 | ضریب B | ضریب Beta | مقدار t | سطح معناداری |
|-----------------|---------|-------------|--------------------------|--------|-----------|---------|--------------|
| اعتماد غیر رسمی | ۰/۳۸۱ | ۰/۱۹۳ | ۰/۱۹۲ | -۲/۰۴ | -۰/۳۸۱ | -۸/۶۳ | ۰/۰۰۰ |

جدول ۹: نتیجه آزمون رگرسیون دومتغیری بین اعتماد غیر رسمی و گرایش به اعتیاد را نشان می‌دهد، مقدار R^2 جدول (۰/۱۹۳)، نشان‌دهنده میزان اثر تبیین‌کنندگی متغیر مستقل بر متغیر وابسته است و ضریب Beta (-۰/۳۸۱) نشان می‌دهد که اگر یک واحد به اعتماد غیر رسمی افزوده شود، حدود ۳۸ درصد از گرایش جوانان به اعتیاد کاسته خواهد شد و این پیش‌بینی با توجه به سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۰) در سطح ۹۹ درصد معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. با توجه به یافته‌های بدست آمده، می‌توانیم نتیجه بگیریم که اعتماد غیر رسمی عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است.

فرضیه پنجم: مطلوبیت شرایط خانوادگی، عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است.

جدول (۱۰): نتایج رگرسیون دومتغیری بین مطلوبیت شرایط اجتماعی و گرایش به اعتیاد

| متغیر پیش‌بین | مقدار R | مقدار R^2 | مقدار اضافه شده به R^2 | ضریب B | ضریب Beta | مقدار t | سطح معناداری |
|------------------------|---------|-------------|--------------------------|--------|-----------|---------|--------------|
| مطلوبیت شرایط خانوادگی | ۰/۴۷۶ | ۰/۲۲۷ | ۰/۲۲۵ | -۵/۱۷ | -۰/۴۷۶ | -۱۰/۵۸۱ | ۰/۰۰۰ |

جدول ۱۰: نتیجه آزمون رگرسیون دومتغیری بین مطلوبیت شرایط اجتماعی و گرایش به اعتیاد را نشان می‌دهد، مقدار R^2 جدول (۰/۲۲۷)، نشان‌دهنده میزان اثر تبیین‌کنندگی متغیر مستقل بر متغیر وابسته است و ضریب Beta (-۰/۴۷۶) نشان می‌دهد که اگر یک واحد به مطلوبیت شرایط خانوادگی افزوده شود، ۴۷/۷ درصد از گرایش جوانان به اعتیاد کاسته خواهد شد و این پیش‌بینی با توجه به سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۰) در سطح ۹۹ درصد معنادار و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. با توجه به یافته‌های بدست آمده، می‌توانیم نتیجه بگیریم که مطلوبیت شرایط خانوادگی عامل موثری در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد است؛ بنابراین فرضیه چهارم تایید می‌گردد. نتیجه برآمده از آزمون فرضیه چهارم به نوعی با یافته‌های پژوهش‌های شهریار و همکاران (۱۳۹۲)، حجاریان و قنبری (۱۳۹۲)، عسکری و همکاران (۱۳۹۰)، سام آرام و همکاران (۱۳۸۷)، باقیانی مقدم و همکاران (۱۳۸۷)، اکالیفاتو (۲۰۰۰)، نورکو و همکاران (۱۹۹۸)، همخوانی و همسویی دارد.

جدول ۱۱: پس از آزمون فرضیات به منظور تعیین میزان تاثیرگذاری هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به ترتیب توان تبیین‌کنندگی، به تحلیل رگرسیون به روش گام به گام پرداخته شده است. متغیرهای مستقل مشارکت اجتماعی، معاشرت با دوستان ناباب، لذت‌جویی، و مطلوبیت شرایط خانوادگی به ترتیب بیشترین میزان تاثیرگذاری بر گرایش جوانان به اعتیاد را دارا می‌باشند، که در کل ۴۸/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

جدول (۱۱): نتایج رگرسیون چندمتغیری بین متغیرهای مستقل و گرایش به اعتیاد

| گام | متغیر وارد شده | مقدار R | مقدار R^2 | مقدار اضافه شده به R^2 | ضریب B | ضریب Beta | مقدار t | سطح معناداری |
|-------|------------------------|---------|-------------|--------------------------|--------|-----------|---------|--------------|
| اول | مشارکت اجتماعی | ۰/۵۰۷ | ۰/۲۵۷ | ۰/۲۵۵ | -۱/۴۶ | -۰/۲۷۲ | -۵/۵۳ | ۰/۰۰۰ |
| دوم | معاشرت با دوستان ناباب | ۰/۶۳۶ | ۰/۴۰۵ | ۰/۴۰۱ | ۱/۸۴ | ۰/۲۶۸ | ۶/۷۳ | ۰/۰۰۰ |
| سوم | لذت‌جویی | ۰/۶۶۸ | ۰/۴۴۶ | ۰/۴۴۱ | ۱/۵۱ | ۰/۲۷۵ | ۶/۵۸ | ۰/۰۰۰ |
| چهارم | شرایط خانوادگی | ۰/۶۹۶ | ۰/۴۸۵ | ۰/۴۷۹ | -۲/۷۳ | -۰/۲۵۱ | -۵/۳۴ | ۰/۰۰۰ |

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین استراتژی‌ها در پیشگیری از اعتیاد، شناسایی عوامل اثرگذار بر نوع نگرش افراد به مواد اعتیاد آور می‌باشد تا ضمن شناسایی نقص‌ها و ضعف‌های این عوامل، بتوان در جهت رفع آنها و تقویت این منابع در راستای تغییر نگرش‌های مثبت به نگرش‌های منفی به مصرف مواد گام برداشت و در نهایت با آگاه‌سازی و اصلاح نگرش جوانان به اعتیاد، معتاد و مواد مخدر، مصرف مواد را در بزرگسالی کاهش داد. نگرش افراد نقش بسیار مهمی در رفتار آتی آنان دارد و هرچه این نگرش بر علم و تجربه و آموزش متکی باشد، در رفتار آینده شخص موثرتر خواهد بود (فرهودیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰). سیاست‌گذاران عرصه اعتیاد برای روزآمد کردن اطلاعات و یافته‌های خود به منظور طراحی برنامه‌های مؤثرتر در این حوزه نیازمند پژوهش‌هایی هستند که چشم‌اندازی از وضعیت موجود اعتیاد را در اختیار آنان قرار دهد و از طرفی مساله اعتیاد و نگرش به آن به سبب چندوجهی بودن و تغییرات پنهانی و سریع، نیازمند مداخلات جامع است. با توجه به مطالب مطرح شده، لزوم جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات از این پدیده و نحوه نگرش افراد به این موضوع در هر مقطع زمانی و به خصوص در گروه‌های جوان و در معرض خطر حائز اهمیت است (رفیعی و علی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰) که پژوهش حاضر برای برآوردن این مهم می‌کوشد.

در این پژوهش که با هدف بررسی نقش عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در تبیین گرایش جوانان شهر قیر به اعتیاد انجام گرفته است، پس از آزمون فرضیات مشخص گردید که بین متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، لذت‌جویی، معاشرت با دوستان ناباب، و مطلوبیت شرایط خانوادگی، با متغیر وابسته (گرایش به اعتیاد)، رابطه معنادار وجود دارد. اما اگر بخواهیم با دقت بیشتری به این روابط بنگریم، درمی‌یابیم که رابطه بین متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مطلوبیت شرایط خانوادگی با گرایش به اعتیاد معکوس است، ولی رابطه بین لذت‌جویی و معاشرت با دوستان ناباب مستقیم است.

هرچه شرایط خانوادگی برای فرد مطلوب تر باشد، اعتماد و مشارکت اجتماعی او نیز قوی تر می شود و به همان اندازه گرایش او به اعتیاد کمتر خواهد بود، و هرچه احساس لذت جویی در فرد قوی تر باشد، بیشتر به معاشرت با دوستان ناباب مبادرت می ورزد، در نتیجه اعتماد و مشارکت اجتماعی او ضعیف تر شده و گرایش قوی تری به سمت اعتیاد خواهد داشت. از زاویه ای دیگر؛ هرچه شرایط خانوادگی برای فرد مطلوب تر باشد، فرد رغبت کمتری به معاشرت با دوستان ناباب از خود نشان می دهد، در نتیجه دوری از افراد ناباب، اعتماد و مشارکت اجتماعی قوی تری داشته و فرد کمتر به سمت اعتیاد گرایش پیدا خواهد کرد. لذت جویی فرد نیز باعث ضعیف شدن اعتماد و مشارکت اجتماعی و قوی تر شدن گرایش به اعتیاد خواهد شد.

در این پژوهش علاوه بر متغیرهای مستقلی که در طراحی فرضیات نقش اساسی داشتند، متغیرهای دیگری نیز خارج از دایره فرضیه آزمایشی مورد آزمون قرار گرفتند یکی از این متغیرها، وضعیت اشتغال بود، افراد شاغل نسبت به افراد بیکار گرایش کمتری نسبت به اعتیاد از خود نشان می دهند این مساله به کرات در جامعه ما و سایر جوامع دیده شده و خواهد شد و نیاز به تعبیر و تفسیر چندان پیچیده ای در خصوص عواقب و عوارض بی شمار بیکاری که یکی از آنها اعتیاد است، احساس نمی شود. میانگین گرایش به اعتیاد دو جنس نیز در این پژوهش مورد مقایسه قرار گرفت؛ دختران و زنان نسبت به پسران و مردان رغبت کمتری به اعتیاد از خود نشان دادند، این یافته می تواند دلایل متعددی داشته باشد از جمله قدرت ریسک پذیری پایین تر دختران و زنان نسبت به پسران و مردان، تفاوت اولویت ها و نیازها در دو جنس، کلیشه های اجتماعی و جنسیتی و نوع نگاه متفاوت و بعضاً تبعیض آمیز جامعه به زنان معتاد نسبت و مردان معتاد، درصد آسیب پذیری بیشتر زنان و دختران معتاد نسبت به پسران و مردان معتاد در جامعه، توانایی گریه کردن و خلاص شدن از احساسات بد در زنان نسبت به مردان و دلایل متفاوت دیگر که می تواند پایه گذار این تفاوت باشد. در کل می توان گفت که بهتر است تفاوت میانگین گرایش به اعتیاد زنان و مردان را در تفاوت های طبیعی و اساسی زن و مرد جستجو کرد.

به طور کلی با توجه به شواهد تجربی بدست آمده در پژوهش حاضر و با رجوع به نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره، می توان نتیجه گرفت که عوامل عمده موثر بر گرایش جوانان شهر قیر به اعتیاد، عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی می باشند، عواملی که به ترتیب عبارتند از اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، معاشرت با دوستان ناباب، لذت جویی، و مطلوبیت شرایط خانوادگی. البته در این باره از عوامل جمعیت شناختی نظیر جنسیت، و وضعیت اشتغال نیز نباید غافل بود.

پیشنهادات کاربردی

۱. یافته ها نشان داد که معاشرت با دوستان ناباب، عامل موثری در افزایش گرایش جوانان به اعتیاد است. پیشنهاد می شود؛ در راستای دستیابی به امنیت و پیشگیری از انواع آسیب ها که از شاخصه های توسعه ای اجتماعی است، مسئولین فرهنگی شهرستان شرایطی فراهم نمایند که افراد مخصوصاً جوانان در اوقات فراغت خود انواع فعالیت های سالم و مثبت برای انتخاب و جایگزینی آن با فعالیت های مخرب و آسیب زا داشته باشند.
۲. یافته ها نشان داد که لذت جویی، عامل موثری در افزایش گرایش جوانان به اعتیاد است. پیشنهاد می شود؛ مسئولین بهداشت و بهزیستی شهرستان نسبت به دایر کردن مراکز مشاوره جهت راهنمایی جوانان در زمینه چگونگی کانالیزه کردن احساسات خود از جمله لذت جویی، اقدامات لازم را معمول نمایند.
۳. یافته ها نشان داد که متغیرهای مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی، دو عامل موثر در کاهش گرایش جوانان به اعتیاد می باشند. پیشنهاد می شود؛ مسئولین و متولیان امر، برنامه ریزی های خود را در خصوص تقویت روحیه همبستگی اجتماعی و گرایش هر چه بیشتر افراد به گروه های اجتماعی، مشارکت و اعتماد، تنظیم نمایند. چرا که انزوا و گریز از جمع پیامدهای جبران ناپذیری برای فرد و اجتماع به دنبال دارد. گوشه نشینی و عدم مشارکت در فعالیت های اجتماعی، عدم آگاهی به دنبال دارد و عدم آگاهی نیز، ترس و عدم اعتماد و در نهایت نبود احساس امنیت روانی و اجتماعی.

۴. پیشنهاد می‌شود، عوامل تاثیرگذار بر میزان مشارکت و اعتماد اجتماعی شهروندان، از راههای ممکن در جامعه تقویت شوند، البته این امر در کوتاه مدت امکان پذیر نیست و نیازمند برنامه ریزی میان مدت و بلندمدتی است که لازم است از دوران کودکی آغاز شود، تغییر در محتوای برنامه‌ها و کتب آموزش ابتدایی و متوسطه و همچنین تهیه برنامه‌های ویژه‌ی تلویزیونی، از جمله اقداماتی است که می‌توان در این زمینه انجام داد.
۵. یافته‌ها نشان داد که میانگین گرایش به اعتیاد در بین جوانان شاغل و بیکار، به صورت معنادار متفاوت است. در این پژوهش، افراد بیکار نسبت به افراد شاغل، گرایش بیشتری به اعتیاد داشتند. در راستای دستیابی به توسعه و رفاه اجتماعی و فراهم آوردن شرایط اشتغال و کسب و کار پایدار، می‌طلبند؛ کارخانجات و کارگاههای تولیدی با در نظر گرفتن ظرفیت‌های شهرستان احداث گردد. و درخصوص کارخانجات موجود (کارخانه سیمان، شرکت های نفت و گاز و...) نیز نگاه ویژه‌ای به نیروهای بومی خصوصا جوانان معطوف گردد.
۶. یافته‌ها نشان داد که مطلوبیت شرایط خانوادگی عامل موثری در کاهش گرایش به اعتیاد است. هرچه شرایط خانوادگی مطلوب تر باشد گرایش به اعتیاد جوانان کمتر می‌شود. پیشنهاد می‌شود؛ خانواده‌های محترم، جوانان را در راستای تشکیل خانواده و ازدواج موفق راهنمایی کنند و در این خصوص به اهل فن مراجعه کرده و جوانان را نیز به مراکز تخصصی ارجاع دهند تا در آینده خانواده‌ای با شرایط هرچه مناسب تر تشکیل دهند تا شاهد جوانانی سالم از لحاظ روانی و جسمانی باشیم و یکی دیگر از راههای گرایش جوانان را به اعتیاد را در حد توان مسدود کنیم. همچنین خانواده‌های محترم شرایط کنونی خانواده را در حد امکان از هرگونه تشنج دور نگه دارند و در صورت وجود اختلافات، جرو بحث‌ها را به لحظاتی بسپارند که فرزندان در خانه حضور ندارند.

منابع

۱. احمدی حبیب. ۱۳۷۷. نظریه‌های انحرافات اجتماعی. شیراز: انتشارات رز.
۲. پوپر کارل. ۱۳۷۰. منطق اکتشاف علمی. ترجمه سید حسین کمالی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. جزایری علی‌رضا و همکاران. ۱۳۸۱. نگرش دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر تهران به اعتیاد. فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۶، صص: ۲۴۲-۲۲۹.
۴. حسینیان سیمین. فرخجسته وحیده السادات. عبدالهی راشن، نوری پورلیاوی رقیه. ۱۳۹۴. رابطه رفتارهای پرخطر و هیجان خواهی با میزان گرایش به اعتیاد در زنان بزهکار. فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴، صص: ۲۸-۹.
۵. رابرتسون یان. ۱۳۷۲. درآمدی بر جامعه. ترجمه حسین بهروان، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۶. رحیمی موقر آفرین. ۱۳۷۵. پیشگیری اولیه از اعتیاد. تهران، معاونت فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.
۷. رضایی سجاد. جهانگیرپور مهسا. موسوی سیدولی الله. موسوی سیدحشمت الله. ۱۳۹۳. نقش میانجی ویژگی شخصیتی وظیفه شناسی در رابطه بین گرایش به اعتیاد و عملکرد تحصیلی. فصلنامه اعتیاد پژوهشی سوء مصرف مواد، سال هشتم، شماره سی ام، تابستان ۱۳۹۳، صص: ۶۸-۵۳.
۸. رفیعی حسن. علی پور فردین. ۱۳۹۳. نگرش دانشجویان کشور به مواد اعتیاد آور در سال ۱۳۹۰. نشریه مسائل اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۳، صص: ۱۹-۷.
۹. زاهدی اصل محمد. لطفی شورش. ۱۳۹۰. بررسی عوامل موثر بر شکل گیری نگرش جوانان (۱۸ تا ۲۹ سال) به مواد اعتیاد آور. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۸۵، صص: ۵۸-۳۳.
۱۰. زینالی علی. ۱۳۹۱. گسترش و رواسازی پرسشنامه استعداد اعتیاد- ویراست دانشجویان. فصلنامه یافته‌های نو در روان شناسی، سال هشتم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۱، صص: ۹۹-۸۵.
۱۱. سراج زاده سیدحسین. فیضی ایرج. ۱۳۸۶. مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین دانشجویان دانشگاه های دولتی در سال تحصیلی ۱۳۸۱۲-۱۳۸۲. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۳۵، صص: ۱۰۹-۸۵.
۱۲. سروش مریم. افراسیابی حسین. ۱۳۸۹. سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان شیراز. دو فصلنامه علمی- تخصصی «پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه» شماره پنجم، صص: ۱۵۵-۱۲۳.

۱۳. سلیمی هادی. گوهری شیوا. کرمانشاهی فاطمه. جاودان موسی. ۱۳۹۴. پیش بینی گرایش به اعتیاد براساس مدل فرایند و محتوای خانواده در دانش آموزان. فصلنامه اعتیاد پژوهشی سوء مصرف مواد، سال نهم، شماره سی و چهارم، تابستان ۱۳۹۴، صص: ۶۶-۵۳.
۱۴. عفتی جلیل. ۱۳۷۹. اعتیاد، پیشگیری یا درمان. یزد، انتشارات نیکوروش.
۱۵. فرهودیان علی و همکاران. ۱۳۷۸. بررسی دانش و نگرش گروهی از ارامنه تهران در مورد اعتیاد و مصرف مواد. فصلنامه علوم شناختی، شماره ۳۸.
۱۶. کیوان آرا محمود. کیانیپور مسعود. ژیانپور مهدی. ۱۳۸۷. تجارب معتادان از پزشکی شدن اعتیاد، فصلنامه رفاه اجتماعی. تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، سال هفتم، شماره ۲۹.
۱۷. محمودی غفارعلی. نورمحمدی حسن. عزیزپورفرد یونس. فرهادی علی. ۱۳۹۴. بررسی علل گرایش به مواد مخدر از نظر بیماران با تشخیص مسمومیت مواد مخدر و اعتیاد مراجعه کننده به بیمارستانهای آموزشی شهر خرم آباد. فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان(یافته)، دوره هفدهم، شماره ۱، بهار ۹۴، مسلسل ۶۳، صص: ۶۲-۵۵.
۱۸. ممتاز فریده. ۱۳۸۱. انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاهها. تهران: شرکت سهامی انتشار.

1. Mahbuban, S. (2010) "Drug Addiction among Undergraduate Students of Private Universities in Bangladesh", *Social and Behavioral Sciences*, 5:498-501.
2. Skinner, M; Fleming, C, Haggerty K; Catalano, R. F. (2014). Sex Risk Behavior among Adolescent and Young Adult Children of opiate Addicts. *Prevention Science*. 15(1): 70-77.
3. Wills T. A. & A. M. Yaeger (2008) "Family Factors and Adolescent Substance Use: Models and Mechanisms", *Current Directions in Psychological Science*, 12 (6): 222-226.